

فرزندمان آموزش می‌دهیم سؤالات آموزنده، انواع مختلفی دارند.

● سؤالاتی که به یادآوری کودک کمک می‌کنند.

این نوع سؤالات بسیار ساده‌اند اما به حافظه‌ای قوی نیاز دارند و با کلماتی مانند «چه کسی»، «چه چیزی»، «چه زمانی» و «کجا» آغاز می‌شوند.

«خدا چه زمانی حیوانات را آفرید؟»

[محمد<sup>(ص)</sup> در غار حرا چه چیزی را کشف کرد؟]

«ده فرمان موسی<sup>(ع)</sup> چیست؟»

این سؤالات باعث می‌شوند که شما بتوانید میزان یادگیری فرزندتان

را در مورد آموزش‌های قبلی ارزیابی کرده و یا دریابید که برای آموزش‌های جدیدتر آمادگی دارد یا خیر؟ یادگیری در خلأ انجام نمی‌گیرد بلکه از انباشت وقایع، ایده‌ها و مفاهیم حاصل می‌گردد. سؤالات دیگری نیز وجود دارند که به درک عمیق‌تر فرزندان کمک می‌کنند.

#### ● سؤالات کاربردی

این سؤالات، باعث می‌شوند تا کودکان درک خود از خدا را در زندگی خویش محقق سازند.

اگر فرزندان از تاریکی وحشت دارد، داستان یونس<sup>(ع)</sup> را برای او تعریف کنید. سپس از او بپرسید که یونس<sup>(ع)</sup> در شکم ماهی چه کرد؟ خدا چگونه به یونس<sup>(ع)</sup> کمک کرد؟ آیا خدا حامی او نیز هست؟ اگر می‌خواهید روحیه از خودگذشتگی و کمک به دیگران را در فرزندان رشد دهید، داستان کسانی را برای او نقل کنید که در سختی‌ها به دیگران کمک کرده و در راه خدا ایثار کرده‌اند و خداوند نیز در زمان و مکانی که انتظار نداشتند، به کمک آن‌ها شتافته است. از او بپرسید: «تو چه داری که در راه خدا ایثار کنی؟»، «فکر می‌کنی با هدیه‌ای که به او داده‌ای چه می‌کند؟»

#### ● سؤالات ارزیابی‌کننده

ارزیابی موقعیت و راه‌های ممکن و عملی، مهم‌ترین قسمت تعمیم و شکل‌گیری ارزش‌ها را تشکیل می‌دهد. سؤالات ارزیابی‌کننده ممکن است در پی تحلیل، مقایسه و یا رسیدن به نتایج قابل پیش‌بینی باشند. هنگامی که با فرزند خود به خرید یا تفریح می‌روید، می‌توانید برای آغاز صحبت سؤالات ارزیابی‌کننده‌ای را مطرح کنید. «امروز چه چیزهایی را مشاهده و یا به هر نحوی تجربه کرده‌ای (دیدنی، شنیدنی، چشیدنی، بوییدنی، لمس کردی،...) که می‌خواهی به‌خاطر آن از خدا تشکر کنی؟» یا «امروز چه چیزی دیده‌ای که تو را به تفکر درباره خدا

و ادا کرد؟» این‌ها سؤالاتی هستند که تمامی اعضای خانواده می‌توانند در پاسخگویی به آن فعال شوند.

وقتی که فرزندان مطالعه زندگینامه‌ای را (که مناسب سن او باشد) به پایان رساند، قطعاً به‌نوعی ارزیابی و قضاوت در مورد شخصیت‌های داستان، دست خواهد یافت. از او بپرسید «کدام یک از شخصیت‌های داستان شباهت بیشتری به تو داشت؟» یا «خدا چگونه به آن‌ها کمک کرد؟»

بچه‌های بزرگ‌تر یا نوجوانان را می‌توان با سؤالات دیگری مواجه کرد. مثلاً «مطالعه دربارهٔ ادیان مختلف چگونه به تو کمک می‌کند تا بتوانی درک بهتری از خدا داشته باشی؟» با طرح این‌گونه سؤالات، فرزندان را تشویق کنید تا رشته ارتباطی بین ادیان مختلف را کشف کرده، از ارزش‌های بالقوهٔ آن‌ها بهره بگیرد و درک خود را از خدا غنی‌تر و عمیق‌تر سازد.

#### ● سؤالات استدلالی

این نوع سؤالات اغلب با «چرا؟» آغاز می‌شوند و کودک را وادار می‌کنند تا دربارهٔ علل و ریشه امور اندیشیده، به محرک‌های پنهانی رفتار انسان‌ها توجه کند، و در پی درک و فهم مقصود و هدف مشیت الهی باشد. مثلاً، از او بپرسید:

«چرا خدا دستورات و احکامی را برای انسان مشخص کرده است؟»

«چرا انسان اشرف مخلوقات است؟»

«چرا به مقدسات سایر ادیان احترام می‌گذاریم؟»

در این شیوه، نباید با پاسخ‌های کلیشه‌ای و کوتاه فرزندان به سؤالات یاد شده، راضی شوید. سعی کنید فرزندان را به سوی پاسخ‌های عمیق‌تر و مستدل سوق دهید. این کار را تا جایی دنبال کنید که یا پاسخ قانع‌کننده‌ای بیابید و یا هر دو به این نتیجه برسید که از این نقطه به بعد اسراری وجود دارد که فعلاً قادر به درک آن‌ها نیستید.

● **سؤالات تفسیری**  
این سؤالات به آشکار شدن معانی عمیق‌تر مفاهیم و درک پدیده‌ها کمک می‌کنند و پذیرش حقیقت را برای ما آسان می‌سازند.  
به عنوان مثال از کودک بپرسید:

«دوست داشتن خدا با تمام وجود یعنی چه؟»

«خدا موجودات خوب را چگونه دوست می‌دارد؟»

«وقتی دربارهٔ انبیا و اولیا فکر می‌کنی چه احساسی در تو ایجاد می‌شود؟»

«خدا چه شکلی است؟ آیا می‌توانی او را به من نشان بدهی؟»

● **سؤالات اعتقادی**

روشن است که این نوع سؤالات در پی پاسخ‌های استدلالی نیستند بلکه ماورای استدلال، در جست‌وجوی پاسخ‌هایی هستند که حکایت از گرایش‌ها و خواسته‌های قلبی داشته باشد. زمانی فرامی‌رسد که باید فرزندان را تشویق کنید تا ایمان و درک و دریافت شخص خود را بروز دهد. در این شرایط سؤالاتی را در نظر بگیرید:

«آیا از اینکه خدا تو را خلق کرده است، خوشحالی؟»

«دوست داری برای رضایت خدا چه کاری انجام دهی؟»

«آیا دوست داری در مراسم مذهبی و سخنرانی‌های دینی شرکت کنی؟»

سعی کنید این دسته سؤالات را تا حد امکان کمتر مطرح کنید و از تکرار بیش از اندازه آن‌ها خودداری ورزید تا تأثیر خود را از دست ندهند.

● **اصول اساسی در سؤال کردن**

سؤالات خردمندانه، قوی‌ترین ابزار آموزش به شمار می‌آیند. لذا، همانند هر ابزار قدرتمند دیگر، استفاده از آن نیاز به دقت و هنرمندی سؤال‌کننده دارد. هنر طرح چنین سؤالاتی نیازمند رعایت اصول ساده زیر است.

- از افراط در طرح این سؤالات خودداری کنید تا فرزندتان خسته نشود.
- سؤالات را جدی طرح کنید و به فرزندتان وقت کافی بدهید تا درباره آن‌ها فکر کند و سنجیده پاسخ دهد. سؤالی که با تمام وجود پرسیده شود، شنونده را به تفکر وامی‌دارد.
- سؤالات را با متانت طرح کنید، گویی در حال طرح سؤال برای خودتان هستید، چرا که خود نیز در حال یادگیری هستید.
- انتظار نداشته باشید فرزندتان همان پاسخی را ارائه دهد که مورد نظر شماست، زیرا هر شخصی درک خاصی از یک سؤال دارد و عقاید خود را به نحو ویژه‌ای ابراز می‌کند.
- سؤالات را طوری مطرح کنید که فرزندتان با زبان و درک خویش به آن‌ها پاسخ دهد. از او انتظار ارائه پاسخ‌های آماده و کلیشه‌ای نداشته باشید.
- به پاسخ فرزندتان با دقت و توجه فراوان گوش دهید و در برابر نظر او جبهه‌گیری نکنید تا نوعی اعتماد و درک متقابل بین شما ایجاد شود.
- سؤالاتی طرح کنید که متناسب با سن و درک و موقعیت فرزندتان باشد. مهم‌ترین نکته در طرح سؤالات این است که هدف از آن‌ها ارائه پاسخ‌های آماده به فرزندتان نیست بلکه وادار کردن وی به تأمل و تفکر و در نتیجه، رشد ایمان و ادراک اوست.